

عالی جنابان

از فرصتی که برایم داده اید، ممنونم.

نام من کریمه بنون است. من کارشناس حقوق بین‌المللی هستم و برای نزدیک به سه دهه با مدافعان حقوق بشر افغانستان همکاری داشته‌ام. این شورا قبلاً از بسیاری از آنها درباره پیامدهای فاجعه‌باری که زنان تحت حکومت طالبان تجربه کرده‌اند، شنیده است. امروز من می‌خواهم تاکید کنم که چگونه شورای امنیت سازمان ملل متحد و جامعه بین‌المللی باید واکنش نشان دهند.

همانطور که می‌دانید، از ماه اگست ۲۰۲۱، طالبان با صدور بیش از ۶۵ فرمان، حقوق اساسی زنان افغان، از جمله حق آموزش، کار، آزادی گشت و گذار و دسترسی به خدمات درمانی را از آنان سلب کرده‌اند. آنها مدافعین حقوق بشر را که با شجاعت به آپارتاید مخالفت کرده‌اند، بصورت غیرقانونی بازداشت و شکنجه کرده‌اند. حکومت طالبان بر خلاف منشور سازمان ملل متحد عمل کرده و تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است. گزارش‌هایی در مورد افزایش میزان خودکشی بین زنان نشان‌دهنده تأثیرات ویرانگر اما قابل پیش‌بینی این سیاست‌ها است.

حضار گرامی! زنان افغان از تمام اقوام به من می‌گویند چقدر زندگی تحت حکومت طالبان برای آنها سخت شده است. یک زن اوزبیک اهل تخار، که پیشتر در یک نهاد جامعه مدنی فعال کار میکرد، بمن گفته اخیراً اقدام به خودکشی کرده و توضیح داد: "می‌ترسم روزی زنان را از نفس کشیدن بدون اجازه مردان منع کنند." یک زن هزاره می‌گوید که همواره در معرض تهدید و جنایات گسترده، هدفمند و ضد هزاره‌ی طالبان است. یک زن معترض دیگر در کابل افزود: "طالبان ما را در خانه‌هایمان زندانی کرده‌اند. آنچه ما هر روز تجربه می‌کنیم، مرگ تدریجی است. زندگی تحت آپارتاید جنسیتی چیزی جز این نیست."

بسیاری از زنان نگران تلاش‌های برخی از بازیگران بین‌المللی برای عادی ساختن رفتار طالبان علیرغم سیاست‌های سرکوبگرانه‌شان هستند. به همین دلیل، برخی از مدافعان حقوق بشر افغانستان اخیراً به اعتصاب غذا پرداخته و خواستار به رسمیت شناخته شدن آپارتاید جنسیتی در کشورشان و مداخله بین‌المللی برای متوقف کردن آن شده‌اند. جامعه جهانی بارها ادعا کرده که با افراط‌گرایان مقابله می‌کند، اما در واقع در حمایت از آن‌هایی که در خطوط مقدم جبهه بصورت مسالمت‌آمیز مقاومت می‌کنند، ناکام بوده است.

شورا بارها از طالبان خواسته تا به سوءاستفاده‌های خود پایان دهد، ولی اقدامات دیگری هم وجود دارد که می‌توانید - و باید - انجام دهید تا آنها را در قبال سلب حقوق زنان پاسخگو بسازید. من از شورای امنیت می‌خواهم با گام‌های مشخص به طالبان نشان دهد که جامعه جهانی نظام آپارتاید جنسیتی را که آنها در افغانستان اجرا کرده‌اند، تحمل نخواهد کرد.

در ماه جون، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد برای افغانستان و گروه کاری مبارزه با تبعیض علیه زنان و دختران، از جامعه بین‌المللی خواستار شدند تا به آپارتاید جنسیتی که آن را به عنوان «سیستم نهادینه‌ی تبعیض، جداسازی، تحقیر و محرومیت زنان و دختران» شرح داده‌اند، از منظر حقوق بین‌الملل محکوم کنند و در مقابله با آن بی‌تفاوت نمانند. دبیرکل، کمیسار عالی حقوق بشر، مدیر اجرایی بخش زنان سازمان ملل، و بسیاری از کشورهای عضو شورای امنیت نیز از این وضعیت با عنوان "آپارتاید جنسیتی" یاد کرده‌اند. در شورای حقوق بشر، آفریقای جنوبی نه تنها تشخیص داده است که حکومت طالبان آپارتاید جنسیتی اعمال می‌کند، بلکه خواستار واکنش بین‌المللی مشابه آنچه به پایان آپارتاید نژادی کمک کرد، شده است.

حضار گرانقدر، من امروز اینجا هستم تا از جامعه جهانی خواهش کنم که فقط به محکومیت بدترین نمونه‌ی ستم سیستماتیک علیه زنان که در جهان پی‌سابقه است، بسنده نکنند و فوراً برای پایان دادن به آن اقدام کنند.

آنچه پس از بازگشت طالبان به قدرت انجام شده، کارا نبوده است. همصدا با بسیاری از مدافعان حقوق بشر افغانستان و کارشناسان بین‌المللی حقوق بشر، من معتقدم که استفاده از رویکرد آپارتاید جنسیتی یکی از امیدوارکننده‌ترین گزینه‌ها و یک راه جدید و موثرتر است. این رویکرد را می‌توان هم از طریق تفسیر قانون آپارتاید موجود از دیدگاه جنسیت و هم با تدوین آپارتاید جنسیتی در قوانین بین‌المللی پیگیری کرد.

در دسامبر 2022، من پس از مشورت با مدافعان حقوق بشر افغانستان تحقیقی تحت عنوان «تعهد بین‌المللی برای مقابله با آپارتاید جنسیتی در افغانستان» منتشر کرده‌ام که در آن وضعیت را به‌عنوان آپارتاید جنسیتی تحلیل کرده و پیامدهای قانونی آن را توضیح داده‌ام.

بنابراین، از نظر قانونی، این قالب‌بندی به چه معناست و پیامدهای آن چیست؟

«آپارتاید جنسیتی» با اقتباس از قانون بین‌المللی آپارتاید نژادی تأکید می‌کند که تبعیض به سیستم حکومتی تبدیل شده و هدف اصلی سیاست‌ها تبعیض است. با استناد به تعریف آپارتاید در ماده 7 (2) (ح) اساسنامه رم و فقط با افزودن کلمه «جنسیت» به آن، می‌توان آن را به دقت درک کرد.

به عبارت دیگر: "اعمال غیرانسانی ... در چارچوب یک رژیم نهادینه شده سرکوبگر و سلطه‌جو توسط یک گروه جنسیتی بر یک و یا هر گروه جنسیتی دیگر به قصد ابقای آن رژیم صورت بگیرد."

طالبان در مورد حقوق زنان فقط کوتاهی نمی‌کنند - سرکوب زنان در مرکز سیستم حکومتی و فلسفه آنها قرار دارد. چارچوب آپارتاید نشان می‌دهد که رویکرد معمول حقوق بشر، که دولت را به عنوان مسئول اصلی تأمین حقوق بشر معرفی می‌کند، در این مورد کارا نیست. تغییر مثبت تنها با یک واکنش بین‌المللی منسجم و اصولی، تحت رهبری این شورا، با توجه به 10 قطعنامه‌ی زنان، صلح و امنیت و با حمایت دولت‌ها از همه مناطق، امکان‌پذیر است.

مفاهیم حیاتی آپارتاید جنسیتی و آزار و شکنجه بر مبنای جنسیت متمایز و مکمل هم هستند: هر دو برای پاسخگو ساختن طالبان لازم هستند. در افغانستان، آپارتاید جنسیتی یک چارچوب نهادینه شده است که در آن آزار و اذیت بر مبنای جنسیت رخ می‌دهد. دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در حال بررسی وضعیت است و ممکن است علیه برخی از متهمین اتهامات جنایی بین‌المللی مطرح کند. این یک پیشرفت مهم خواهد بود. با این حال، پاسخ‌گویی فردی، اگرچه ضروری است، به تنهایی برای رسیدگی با مقیاس این بحران کافی نیست.

یکی از جنبه‌های قدرتمند رویکرد آپارتاید جنسیتی این است که نه تنها بر عاملان آپارتاید قابل اعمال است، بلکه این معنا را می‌دهد که مانند آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی، هیچ کشور عضوی نمی‌تواند در اقدامات غیرقانونی طالبان مشارکت کند یا آن را عادی‌سازی کند و باید برای پایان دادن به این وضعیت اقدام موثری انجام دهد. بنابراین، تا زمانی که نظام آپارتاید جنسیتی طالبان وجود دارد، به رسمیت شناختن آنها ناممکن است و قطعاً جایی برای آنها در سازمان ملل وجود ندارد. این امر به گروه‌هایی در سایر نقاط جهان که با طالبان دیدگاه مشترک دارند، پیام می‌رساند که جامعه بین‌الملل با نقض گسترده حقوق زنان همدست نخواهد شد.

هدف یک رویکرد آپارتاید جنسیتی، منزوی کردن افغانستان یا قطع کمک‌های بشردوستانه به شدت مورد نیاز نیست. ارسال کمک‌ها بر اساس اصول و بدون تبعیض مسئله‌ای مربوط به مرگ و زندگی است. حمایت از حقوق بشر و اقدامات بشردوستانه باید به جای اینکه با یکدیگر معاوضه شوند، به طور متقابل باید تقویت شوند.

سال 2023 مصادف با هفتاد و پنجمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر است - سندی که تایید می‌کند "از آنجا که مردمان ملل متحد در منشور، ایمان خود را... در حقوق برابر زن و مرد تایید کرده اند." زنان افغان، شجاع‌ترین دفاع‌کنندگان این اصل بنیادی هستند و اکنون سزاوار حمایت قوی شما هستند.

به همین دلیل، پیشنهادات زیر را ارائه می‌دهم:

1. شورای امنیت و سایر نهادهای مرتبط سازمان ملل باید قطعنامه‌هایی را تصویب کند که در آن رفتارهای طالبان با زنان افغان، هم به عنوان شکنجه بر مبنای جنسیت و هم به عنوان چارچوب نهادینه شده آپارتاید جنسیتی شناخته شوند. این قطعنامه‌ها باید از دولت‌ها و سازمان ملل متحد خواستار گام‌های موثری برای پایان دادن به این نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل، از جمله کشاندن مسئولین به دادگاه، باشد.

2. فرصت مهمی برای تقویت قانون بین‌المللی با تصویب معاهده‌ی جنایات علیه بشریت که در حال بررسی است، وجود دارد. اعضای شورا و سایر کشورها باید اطمینان حاصل کنند که این معاهده نه تنها به جنسیت پاسخگو است، بلکه به آپارتاید جنسیتی نیز اشاره دارد.

3. دفتر مأموریت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) که نقش حیاتی دارد، باید تمام جنبه‌های مأموریت خود را در مورد حقوق زنان به طور کامل اجرا کند. علاوه بر این، ارزیابی مستقل پیش‌رو و همچنین هرگونه گردهمایی جامعه جهانی در مورد افغانستان، باید حمایت از حقوق زنان و مشارکت معنادار زنان افغان را در اولویت قرار دهد.

حضار گرامی، همانطور که یک مدافع حقوق بشر افغان به من گفت: "خوش‌بینی، کلید بقا است." زنان شجاع افغان که به تظاهرات خود در خیابان‌ها ادامه می‌دهند، تسلیم نخواهند شد و جان خود را به خاطر برابری که منشور به آن متعهد است، به خطر می‌اندازند. شورای امنیت باید به همان اندازه آشجاعت و تعهد نشان دهد. متشکرم.